

# پرسش‌های خیلی خیلی مهم

درباره‌ی «من»



# پرسش‌های خیلی خیلی مهم

درباره‌ی «من»

«آیا می‌توانم با مغزم اشیاء را تکان دهم؟»  
و پرسش‌های دیگر

دکتر استفان لاو

تصویرگر: مارک اسپینال

مترجم: نگار خیراللهی





REALLY REALLY BIG QUESTIONS ABOUT ME

“First published 2012 by Kingfisher an imprint of Pan Macmillan, a division of Macmillan Publishers International Limited”

Text Copyright © Macmillan Publishers Ltd 2012

Illustrations Copyright © Marc Aspinall 2012

Persian Translation © Houpa Publication, 2020

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Macmillan) خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، استفان لائو و ناشر خارجی آن، مک میلان، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت استفان لائو این کار را کرده است.



## پرسش‌های خیلی خیلی مهم

درباره‌ی «من»

نویسنده: دکتر استفان لائو

تصویرگر: مارک اسپینال

مترجم: نگار خیراللهی

ویراستاران: سمیه امینی کاظمی - محمدعلی جعفری

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: فریبا دولت‌آبادی

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۰۸۲-۶

سرشناسه: لا، استیون

Law, Stephen

عنوان و نام پدیدآور: پرسش‌های خیلی خیلی مهم درباره‌ی «من» آیا می‌توانم با مغزم اشیاء را تکان دهم؟/ نویسنده استفان لائو؛ تصویرگر مارک اسپینال؛ مترجم نگار خیراللهی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.؛ مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۰۸۲-۶

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

یادداشت: عنوان اصلی: Really really big questions about me.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: کودکان و فلسفه

موضوع: Children and philosophy

موضوع: بدن انسان

موضوع: Body , human

موضوع: مغز

موضوع: Brain

شناسه افزوده: اسپینال، مارک، تصویرگر

شناسه افزوده: Aspinall, Marc

شناسه افزوده: خیراللهی، نگار، ۱۳۵۹- مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۷ ۱۱۱۱ ۱-۸۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۸۷۶۶۴

هوپا

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،

کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



# فهرست

۸ مقدمه: تو کی هستی؟

## فصل ۱ من کیستم؟

- ۱۲ من از کجا آمده‌ام؟
- ۱۲ همه‌ی ما از کجا آمده‌ایم؟
- ۱۳ چرا من اینجا هستم؟
- ۱۴ اگر من تغییر کنم، آیا هنوز خودم هستم؟
- ۱۵ آیا می‌توانم بدنم را با کسی عوض کنم؟
- ۱۶ آیا این حافظه‌ی من است که من را «من» می‌کند؟
- ۱۷ وقتی هشتادساله شوم، آیا هنوز همان آدم خواهم بود؟
- ۱۸ آیا امکان دارد بیشتر از یک «من» وجود داشته باشد؟
- ۲۰ آیا پس از مرگ زندگی وجود دارد؟

## فصل ۲ بدن من چگونه کار می‌کند؟

- ۲۴ من از چه ساخته شده‌ام؟
- ۲۵ درون من چه چیزی زندگی می‌کند؟
- ۲۶ من چگونه می‌بینم؟
- ۲۸ من چطور بدنم را حرکت می‌دهم؟
- ۳۰ چرا باید غذا بخورم، نوشیدنی بنوشم و نفس بکشم؟
- ۳۱ چرا من شکلات دوست دارم؟
- ۳۲ چرا من بزرگ می‌شوم؟
- ۳۲ چرا ناخن پایم اگر بیفتد، دوباره رشد می‌کند، اما پایم نه؟
- ۳۳ چرا پاهای من بو می‌دهند؟
- ۳۴ چرا من «ناف» دارم؟
- ۳۴ چرا من به خواب احتیاج دارم؟
- ۳۵ آیا می‌توانم برای همیشه زنده بمانم؟
- ۳۶ چرا من سرما می‌خورم؟
- ۳۷ چرا من احساس درد می‌کنم؟
- ۳۸ چگونه یک دارو حالم را بهتر می‌کند؟
- ۳۸ چرا من خوش شانس هستم؟
- ۳۹ از کجا می‌فهمیم یک دارو اثرگذار است؟

## فصل ۳ من حیرت‌انگیز

- ۴۲ ذهن من چیست؟
- ۴۳ ذهن من کجاست؟
- ۴۴ آیا می‌توانم درد را در «هیچ کجا» حس کنم؟
- ۴۵ آیا من می‌توانم درد تو را حس کنم؟
- ۴۶ مغز من چگونه کار می‌کند؟
- ۴۷ آیا افکار من در ذهنم هستند؟
- ۴۸ چطور می‌توانم بفهمم انسان‌های دیگر ذهن دارند؟
- ۵۰ آیا می‌توانم با ذهنم اشیاء را تکان دهم؟
- ۵۱ چرا من همه‌جا صورت می‌بینم؟

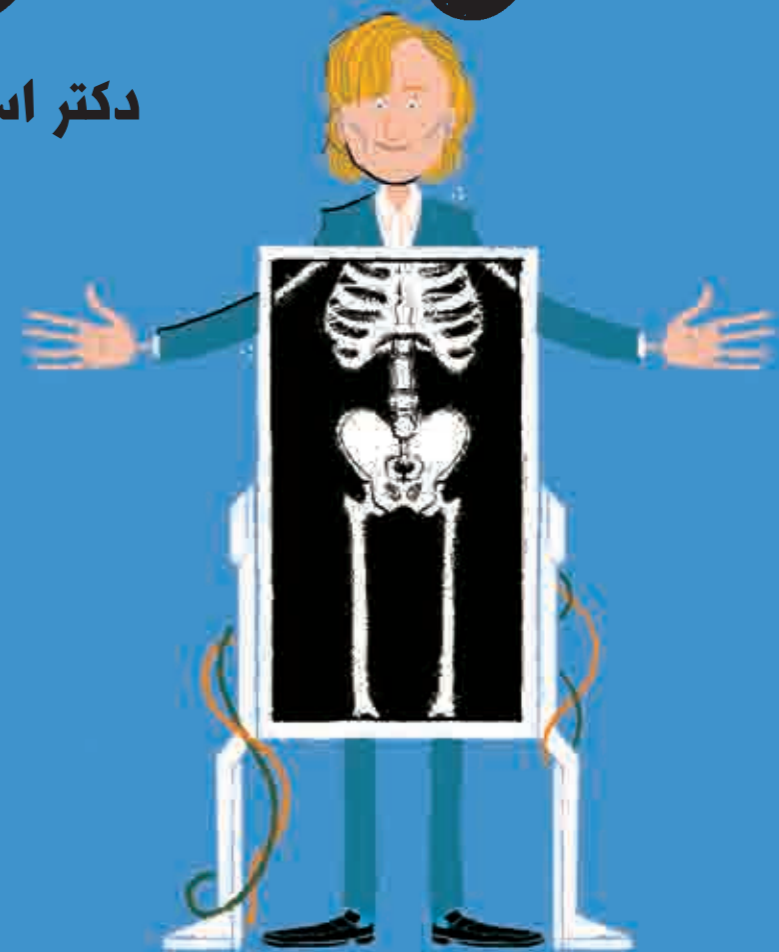
## فصل ۴ من چه چیزی را می‌توانم بدانم؟

- ۵۴ من چطور بدانم در حال خواب دیدن نیستم؟
- ۵۵ چگونه بدانم جهان واقعی است؟
- ۵۵ چگونه بدانم واقعی هستم؟
- ۵۶ از کجا بدانم خورشید فردا طلوع خواهد کرد؟
- ۵۸ چه باوری داشته باشم؟
- ۶۰ واژه‌نامه‌ی توصیفی
- ۶۴ نمایه
- ۶۶ مطالعه و تفکر بیشتر



# مقدمه تو کی هستی؟

دکتر استفان لادو



تو انسان هستی، یکی از شگفتی‌های جهان!

در این دنیای شگفت‌انگیز و بزرگ، تنها حیاتی که ما می‌شناسیم روی همین سیاره‌ی کوچک است. ما انسان‌ها، روی یک کره‌ی سنگی شناور در فضا زندگی می‌کنیم. این کره هر سال، یک بار دور ستاره‌ای می‌چرخد. آن ستاره تنها یکی از صدها میلیارد ستاره در کهکشان راه شیری است و کهکشان ما، تنها یکی از میلیاردها کهکشان در کیهان است. تقریباً بین ۳/۸ تا ۳/۶ میلیارد سال پیش، حیات روی زمین آغاز شد. ولی انسان فقط از حدود دویست‌هزار سال پیش وجود داشته. قبل از ما انواع و اقسام موجودات خارق‌العاده زندگی می‌کرده‌اند، مثل دایناسورها که ۶۵ میلیون سال پیش منقرض شده‌اند.

در بیشتر زمانی که گونه‌ی بشر روی زمین می‌زیسته، زندگی او ساده بوده. انسان‌ها یکی از انواع جانوران بودند که در گروه‌های کوچک زندگی می‌کردند. آن‌ها از موادی که دوروبرشان بود سریناه‌های ابتدایی می‌ساختند. نه خبری از پول بود. نه خبری از شهرها و راه‌ها و نه خبری از کشاورزی. انسان‌ها یا غذایشان را شکار می‌کردند یا از هر جایی که امکان داشت، جمع‌آوری می‌کردند.

کشاورزی، راه‌ها و شهرها، اولین بار «چند هزار سال پیش» به وجود آمدند. علوم جدید فقط چند صد سال است که پدیدار شده‌اند. ما، در یک زمان بسیار کوتاه، سیاره‌ی زمین و خودمان را به کلی دگرگون کردیم.

ما انسان‌ها تازه پس از اینکه میلیاردها سال از تولدمان گذشته بود، شروع کردیم به تفکر درباره‌ی اینکه از کجا آمده‌ایم و چگونه ما و سیاره‌مان شکل گرفته‌ایم. ما توانستیم به بزرگی این جهان پی ببریم. ولی هم‌زمان با چند پرسش اساسی درباره‌ی خودمان هم دست‌به‌گریبان شدیم:

چرا ما اینجا هستیم؟

از کجا آمده‌ایم؟

چگونه می‌بینیم؟

از چه چیزهایی ساخته شده‌ایم؟

چگونه بفهمیم واقعی هستیم؟

چگونه درد را احساس می‌کنیم؟

این کتاب سرشار از پرسش‌های خیلی خیلی بزرگ درباره‌ی توست.

مغزت را برای سوت کشیدن آماده کن!

# ا من کیستم؟

تو از کجا آمده‌ای؟ هرکدام از ما از کجا آمده‌ایم؟ در سراسر دنیا مردم از فرهنگ‌های گوناگون، برای پاسخ به این پرسش‌ها، داستان‌ها و اسطوره‌هایی بسیار ساخته‌اند. برای مثال، مردمان نورس، قبایلی که در مرکز و جنوب اسکاندیناوی کنونی زندگی می‌کردند، اعتقاد داشتند اولین انسان‌ها از تنه‌ی درختان به‌وجود آمده‌اند. بگذار ببینیم یافته‌های دانشمندان چیست.

همچنین بیا درباره‌ی اینکه چه چیز باعث می‌شود تو، تو باشی فکر کنیم. اگر رنگ مویت یا شکل بینی تو را تغییر بدهیم، تو هنوز خودت هستی. اما اگر به تو یک بدن جدید بدهیم یا خاطراتی کاملاً متفاوت، چطور؟ آیا هنوز هم خودت هستی؟ بگذار ببینیم می‌توانیم پاسخ این پرسش‌ها را پیدا کنیم.



# من از کجا آمده‌ام؟

تو یک انسان هستی و گونه‌ی انسان همیشه از یک مادر و یک پدر به وجود می‌آید.

داستان با یک تخمک از مادر و یک اسپرم از پدر آغاز می‌شود. اسپرم به تخمک وارد می‌شود و آن را بارور می‌کند. سپس سلول تخمک تقسیم می‌شود و دو سلول جدید به وجود می‌آورد، آن دو سلول هرکدام تقسیم می‌شوند و چهار سلول جدید به وجود می‌آورند و به همین ترتیب سلول‌های بیشتر و بیشتری به وجود می‌آیند.

این سلول‌ها به تدریج «رویان» را تشکیل می‌دهند. رویان همان جنین انسان است تا قبل از هشت‌هفتگی. رویان به مرور زمان رشد می‌کند و تبدیل به «جنین» می‌شود. در نهایت بعد از نه ماه، مادر زایمان می‌کند و یک انسان پا به هستی می‌گذارد.

# همه‌ی ما از کجا آمده‌ایم؟

تو از یک پدر و مادر زیستی به وجود آمده‌ای. اما خود آن‌ها از کجا آمده‌اند؟ معلوم است! آن‌ها هم پدر و مادر خودشان را داشته‌اند. اما پدر و مادر اولین انسان از کجا آمده‌اند؟ تقریباً تمام دانشمندان عقیده دارند که اولین انسان‌هایی که بیشتر از انسان‌های تمام دوران شبیه نسل امروز بوده‌اند، حدود ۲۰۰۰۰۰ سال پیش پدیدار شده‌اند. ما به تدریج از یک گونه‌ی شبه‌انسان که قبل از ما وجود داشتند، تکامل پیدا کردیم. خود این گونه، گونه‌ی تکامل‌یافته‌ی گونه‌ای قبل‌تر بود.

معمولاً تمام این‌ها در رحم مادر اتفاق می‌افتد. چرا معمولاً؟ چون در سال‌های اخیر فناوری و علم مدرن خیلی چیزها را تغییر داده. امروزه بعضی بچه‌ها از تخمک زنی که در آزمایشگاه بارور شده و سپس در رحم زنی دیگر رشد پیدا کرده، به وجود می‌آیند.

لزوماً همه‌ی بچه‌ها با مادر و پدر زیستی خود زندگی نخواهند کرد. منظور از پدر و مادر زیستی همان زن و مردی است که تخمک و اسپرم را داده‌اند. بعضی از آن‌ها با پدر و مادر جدیدی زندگی خواهند کرد که درست مانند هر پدر و مادر دیگری فرزندان‌شان را دوست دارند و آن‌ها را بزرگ می‌کنند.

۱. پدر و مادر زیستی، آن پدر و مادری هستند که باعث به‌وجود آمدن تو شده‌اند، در زبان فارسی گاهی به آن‌ها پدر و مادر واقعی هم گفته می‌شود. م.

## سوت‌کشیدن مغز!



چیزهای زنده به تدریج می‌توانند به شکل‌های جدید زنده تکامل پیدا کنند. اما چطور اولین چیزهای زنده پدیدار شدند؟



# چرا من اینجا هستم؟

پاسخ به این پرسش سخت است. تمام موجودات زنده برای «تولیدمثل» ساخته شده‌اند. بنابراین، به شکلی، هدف تو هم تولیدمثل است، یعنی بچه‌دار شدن.

شاید این دلیل آفرینش تو باشد، اما تو مجبور به تولیدمثل نیستی. می‌توانی درباره‌ی اینکه چطور زندگی کنی، خودت تصمیم بگیری. می‌توانی تصمیم بگیری بچه داشته باشی یا نه. می‌توانی تصمیم بگیری موسیقی و سازنوازی یاد بگیری یا نه. خودت می‌توانی شغل‌ت را انتخاب کنی. بعضی از انتخاب‌های ما مهم هستند، بعضی دیگر نه. تو حتی می‌توانی قهرمان جهانی سوسیس خوردن بشوی.

# آیا می‌توانم بدنم را با کسی عوض کنم؟

نگاه می‌کند، تعجب می‌کند. او صورت جک را در ذهن دارد، اما حالا صورت بن را می‌بیند که از آینه به او نگاه می‌کند. معلوم است که پسری که بدن جک را دارد، حالا فکر می‌کند بن است.

حالا چه کسی بدن بن را دارد؟ بن یا جک؟ این پرسش خیلی پیچیده است. اما انگار پاسخ این است: جک! مثل این است که بن و جک بدنشان را با هم عوض کرده‌اند!

معلوم است که این فقط یک داستان است و همچنین دستگای اختراع نشده. اما شاید یک روز ساخته شود. اگر اختراع شود، آدم‌ها می‌توانند بدن‌هایشان را با هم عوض کنند.

اگر «تو» بدنت باشی، پس برای تمام عمر توی همین بدن گیر افتاده‌ای. ولی آیا همین‌طور است؟ بن و جک به آزمایشگاه علوم می‌روند. جایی که پروفیسور کلانک یک دستگاه خارق‌العاده درست کرده و اسمش را گذاشته: «ذهن جابه‌جا کن».

پروفیسور کلانک کلاه‌های مخصوصی روی سر بن و جک می‌گذارد و دستگاه را روشن می‌کند. کامپیوتر از مغز بن و جک تصویربرداری می‌کند و آن‌ها را دقیقاً همان شکلی که هستند، ضبط می‌کند. بعد در یک لحظه، مغز جک را درست مثل مغز بن و مغز بن را درست مثل مغز اولیه‌ی جک، بازسازی می‌کند. سپس پروفیسور از کسی که روی صندلی بن نشسته، اسمش را می‌پرسد. مغز او دقیقاً مثل مغز جک است و الان تمام خاطرات جک را در خود دارد. بنابراین با اینکه او بدن «بن» را دارد، جواب می‌دهد: «اسم من جک است». اما وقتی در آینه



## اگر من تغییر کنم، آیا هنوز خودم هستم؟

همیشه این «تو» هستی که ما می‌بینیم، این‌طور نیست؟ پس چه چیزی تو را می‌سازد؟ شاید واقعیت این است که همان بدن زنده‌ای که در عکس‌ها می‌بینیم، تو را می‌سازد. بدن تو ممکن است تغییر بسیاری کرده باشد. شاید شکل و اندازه‌اش تغییر کرده باشد، ولی هنوز همان «چیز» زنده است، با وجود تمام تغییرات زیادی که در طول زندگی‌ات رخ داده. پس شاید تو بدنت هستی. یعنی هر وقت بدنت از بین برود، تو هم از بین می‌روی.

انسان تغییر می‌کند. بدن همه‌ی ما بزرگ می‌شود و رشد می‌کند. البته ذهن هم تغییر می‌کند. ما همه‌ی زمان‌ها احساس یکسانی نداریم. بعضی وقت‌ها خوش‌حالیم، بعضی وقت‌ها اخمو. خاطرات ما هم تغییر می‌کنند. هر روز، تجربه‌های تازه‌ای برای یادآوری داریم.

تو همیشه در حال تغییر کردن هستی. اما وقتی به آلبوم عکس‌هایت نگاه می‌کنیم، چه وقتی نوزادی کوچک بودی، چه وقتی که نوپا شدی و راه افتادی، بعد از تمام راه‌رفتن‌ها و حرف‌زدن‌هایت





A cartoon character with a large green afro, a yellow nose, and round glasses, wearing a white lab coat. He is holding a pink pointer and a mobile phone. The background is a grid of various scientific and technical icons.

نظریه‌ی کرمیت خاص

(سرعت خوردن) × کتاب = دکتر هوپا

$$DrH = B \times V_e^2$$

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی  
دکتر هوپا، بخش علمی و فلسفی هوپا